

## تأثیر تجربه جرم بر احساس امنیت

صادق جهانبخش گنجه<sup>۱</sup>، زهرا طاهری<sup>۲</sup>، سهراب مظفری نیا<sup>۳</sup>، مریم قاسمی پور<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۲۳

از صفحه ۵۳ تا ۷۹

### چکیده

احساس امنیت طیفی از واکنش‌های عاطفی و عملی به جرائم خشونت بار احتمالی، آسیب‌های فیزیکی و بی‌نظمی است که افراد یا اجتماع با آن مواجه‌اند. این احساس ممکن است ناشی از تجربه مستقیم و عینی خود فرد از هر یک از جرائم (دزدی، سرقت، جیب‌بری، تجاوز و مواردی از این دست) و یا تجربه غیرمستقیم فرد یعنی، میزان آگاهی فرد از رخداد جرائم برای اشخاصی چون دوستان، همسایگان، اعضای خانواده از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی محلی، گفتگوهای شخصی با دیگران، شایعات یا رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه) باشد. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر تجربه از جرم بر احساس امنیت در بین شهروندان شهر یاسوج صورت گرفته است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه دارای قابلیت اعتماد و اعتبار است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان شهر یاسوج می‌باشد. مهمترین یافته‌های این پژوهش بدین قرار است: میانگین احساس امنیت در نزد افراد مورد پژوهش از ۵/۵ نمره، ۳/۵۸ به دست آمده است. بین متغیر احساس امنیت و متغیرهای تجربه مستقیم و غیرمستقیم از جرم رابطه معنادار به دست نیامد. مدل مسیر پژوهش تبیین‌گر، متغیرهایی واسطی چون جنس، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، منطقه محل سکونت و تحصیلات در رابطه با تأثیر تجربه جرم بر احساس امنیت می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** امنیت، احساس امنیت، احساس ناامنی، تجربه مستقیم از جرم، تجربه غیرمستقیم از جرم

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران - نویسنده مسئول.

Email: S.jahanbakhsh68@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه اصفهان.

۳. مربی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور خرم‌آباد.

۴. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

## بیان مسئله

امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته به هیچ وجه حقوق ایشان به مخاطره نیفتند و هیچ عاملی حقوق مشروع آن‌ها را تهدید نکند. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه به این مفهوم، از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌گردد و لازمه حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آن‌ها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعديات امنیت است. مخاطره شامل هر نوع عوامل احتمالی است که منجر به نقض حقوق مشروع افراد می‌شود. در واقع امنیت عبارت است از: «جلوگیری از نقض و تعرض بالفعل. گاهی اوقات نیز امنیت در برابر احساس وحشت و خوف و خطر مطرح می‌شود. قرآن کریم نیز امنیت را از ویژگی علی‌امیرمؤمنان بر می‌شمارد.» (سوره قلم، آیه ۹)، همچنان که شهری که در آن امنیت باشد، از مثل الگوهای قرآنی است (نحل، آیه ۱۱۲).

احساس امنیت یک پدیده روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد و از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. احساس آزادی نسبی از خطر این احساس وضع خوشایندی را در افراد ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش روحی و جسمی می‌گردد.

منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف نیز متفاوت از همدیگر است و این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثرگذار می‌باشند.

در سطح کلان ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشکسالی، زلزله، سیل و سقوط ساختار سیاسی حکومت از عمده منابعی است که ساختار کلان احساس امنیت در افراد را شکل می‌دهند. روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش‌های بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف، کارکرد نیروهای انتظامی، ارتش، قوه قضاییه، نظام پولی، نظام مندی شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و بسیاری دیگر از پارامترها ساختار میانی احساس امنیت در گروه‌های جامعه را شکل می‌دهند و در سطح خرد نیز روابط بین افراد جامعه در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم روزانه افراد از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل و غیره و برخورداری‌های اقتصادی، اجتماعی افراد، احساس امنیت در سطح خرد را شکل می‌دهد. بنابراین احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد (مرکز افکارسنجی دانشجویان



ایران، ۱۳۸۲: ۲۴). این در حالی است که افزایش ناامنی های اجتماعی، سرقت ها، رفتارهای غیرمسئولانه و ضد اجتماعی که امروزه در بسیاری از جوامع به شکل حاد درآمده و از حالت یک پدیده اجتماعی خارج و به صورت یک مسأله اجتماعی نمودار گشته است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد، بلکه هزینه های مالی گزاف را تحمیل مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها می کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴).

براین اساس می توان اظهار کرد که یکی از ویژگی های مهم امنیت و احساس امنیت، نبود و یا درصد بسیار پایینی از جرائم در جامعه می باشد که به تبع آن، این امر خود ایجاد جامعه سالم و تربیت شخصیت های سالم کمک می رساند. این پژوهش نیز با بررسی تأثیر تجربه جرم (مستقیم و غیرمستقیم) بر احساس امنیت، سعی دارد تا آن را در بین نمونه ای از شهروندان شهر یاسوج به بوتله آزمون قرار دهد و امید آن است که نتایج آن مورد توجه پژوهش گران علاقه مند در این زمینه و مسئولان مربوطه قرار گیرد.

### چارچوب نظری پژوهش

نظریه های مختلفی از سوی صاحب نظران مطرح در حوزه امنیت و احساس امنیت ارائه گردیده است. در این قسمت از پژوهش سعی بر آن است، تا نظریه هایی انتخاب گردد، که به برخی عوامل جامعه شناختی که با تجربه مستقیم و غیرمستقیم جرم بر احساس امنیت مرتبط می باشد، پردازد.

ابتدای بحث را با امنیت آغاز می کنیم. یکی از مفهوم سازی هایی که در حوزه امنیت صورت گرفته، تقسیم بندی چهاربعدی چلبی از امنیت است. او معتقد است چهار علقه افضل و عام برای انسان وجود دارد که می توان آن ها را از هم تفکیک کرد: علقه شناختی، علقه مادی، علقه اجتماعی و علقه امنیتی (چلبی، ۱۳۸۶: ۶۳).

«علقه امنیتی مربوط به بعد G است. در این بعد انسان به عنوان موجودی هدفمند و بالقوه مضطرب (انسان با چهره سیاسی) جهت حفظ آرامش و صیانت خود در ارتباط با محیط های اثباتی و اجتماعی درصدد تحقق اهداف خود است. برای علقه امنیتی ممکن است چهار بعد اساسی قائل شد، شامل:

۱. امنیت مالی (فراغت از تهدید مالی)
۲. امنیت جانی / و بهداشتی (فراغت از تهدید جانی)
۳. امنیت جمعی / و گروهی (فراغت از تهدید جمعی)
۴. امنیت فکری (فراغت از تهدید فکری). (چلبی، ۱۳۸۳: ۳۲ و ۱۳۸۵: ۱۰۷)

تئوری چلبی با تقسیم‌بندی امنیت به چهار بعد امنیت مالی، جانی، جمعی و فکری به راحتی می‌تواند گویای ابعاد مختلفی از احساس امنیت باشد که یک کنشگر فردی می‌تواند با آن مواجه شود. در نتیجه احساس امنیت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «احساس مصونیت فرد در مقابل تهدیدهایی است که از جانب کنشگران دولتی و غیردولتی جان، مال، فکر و توانایی افراد برای شرکت در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات را تهدید می‌کنند».

احساس امنیت مالی به احساس ثابت فرد برای داشتن و حفظ توانایی مالی در مقابل پیشامدهای ناگواری چون دزدی، کلاهبرداری و ... می‌باشد. منظور از احساس امنیت جانی، احساس فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی اش در مقابله با تهدیدات بیرونی (اعم از دولتی، اجتماعی، محیطی و بهداشتی‌ای) است که وجود و کیفیت سلامتی اش را به خطر می‌اندازند.

**احساس امنیت جمعی و گروهی:** به احساس فرد برای رفتن و گردش آزادانه در خیابان‌ها، پارک‌ها و مجالس اشاره دارد، به گونه‌ای که از سوی افراد و یا دیگر گروه‌های اجتماعی مورد تهدید و تعرض و سوء استفاده قرار نگیرد.

**احساس امنیت فکری:** اشاره به این که فرد در مقابل حوادث پیش‌بینی نشده زندگی روزمره و اعتماد به آینده دلخواه، احساس آرامش و امنیت خاطر داشته باشد (شریفی در یاز، ۱۳۸۸).

در بحث دوم مباحث نظری به تعریف قربانی شدن و ارتباط آن با احساس امنیت می‌پردازیم، قربانی شدن در منابع به دو شیوه تعریف می‌شود- قربانی شدن مستقیم، قربانی شدن غیرمستقیم. قربانی شدن غیرمستقیم<sup>۱</sup> که به دانش یک فرد از دیگر افراد، قربانی شده اشاره دارد و قربانی شدن شخصی که به قربانی شدن واقعی تجربه شده توسط یک فرد اشاره دارد (جوزف<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷: ۷۰۰).

هیچ وحدت نظری در منابع در مورد تأثیر قربانی شدن در گذشته بر احساس ناامنی وجود ندارد. برخی از مطالعات (گاروفالو، ۱۹۷۹؛ اولنبرگر، ۱۹۸۱؛ اسکوگا ن، ۱۹۷۸؛ برانگارت و هویر، ۱۹۸۰)<sup>۳</sup> حاکی از آن است قربانی شدن در گذشته با ترس ارتباط دارد، اما دیگر محققان (مانند باومر، ۱۹۵؛ مک گاررو، گیا کومارزی و تورمن، ۱۹۹۷)<sup>۴</sup> چنین استدلال می‌کنند که تأثیر قربانی شدن در گذشته بر روی ترس ضعیف‌تر از آن است که مطالعات گزارش نموده‌اند. روی هم رفته، مرور نقادانه

۱. Vicarious

۲. Joseph

۳. Garofalo 1979, Ollenberger, 1981, Skogan, 1987, Braungart & Hoyer, 1980

۴. Baumer, 1985, McGarreau, Giacomazzi & Thurman, 1997

منابع حاکی از آن است که رابطه بین قربانی شدن در گذشته و ترس بسته به نوع قربانی شدن دارد (آدو- مریک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۱۵۵). البته به نظر بالکین قربانی شدن مستقیم با ترس در ارتباط است اما این ارتباط ضعیف است. و این رابطه هنگام کنترل بیشتر متغیرهای مهم آسیب پذیری (مانند جنسیت، سن، نژاد و درآمد) (اسکوگان و مکسفیلد، ۱۹۸۱) قوی تر می شود (میشل و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

مرور ادبیات موجود در مورد رابطه بین قربانی شدن قبلی و احساس ناامنی نتایج ترکیبی را هم پوشانی نمی کند. مطالعات چند منظوره ثابت کرده اند که قربانی شدن قبلی یک تأثیر مثبت بر احساس ناامنی از فعالیت مجرمانه دارد (نگاه شود به می و دونای<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). تجربه مستقیم یا مشاهده غیرمستقیم از قربانی شدن در محله می تواند سطح نگرانی فردی را زیاد کند. آن چنان که یک فعالیت مجرمانه واقعی و آشکار در روحیه فرد قربانی، بیشتر از تصور ساده طراحی شده ای است که توسط رسانه یا نمادهای دیگر از حضور جرم در محله مانند دیوار نوشته ها یا خرابکاری به وقوع می پیوندد (جانسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). در حالی که محققان دیگری یک رابطه ضعیف را مشخص ساخته اند (گاروفالو<sup>۵</sup>، ۱۹۷۹). به علاوه، دیگران یافته هایی متناقضی از قربانی شدن را توصیف می کنند که تأکید بر این دارند که مردان قربانی واقعی جرایم هستند تا زنان، متمرکز شده اند (فرارو<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶؛ وار<sup>۷</sup>، ۱۹۸۵). با توجه به این نظرات می توان دریافت که احساس ناامنی ممکن است بیشتر تجربه ذهنی باشد تا تجربه عینی، تحقیقات نشان می دهد که زنان بیشتر نمایانگر انواعی از جرائم به طور یقین (مانند: خشونت خانوادگی، تجاوز جنسی و مزاحمت) هستند که اغلب تحت بررسی نویسندگان و مورد توجه در پیمایش هاست (در پیمایش ساکو<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰).

استانفورد و گال (۱۹۸۴)<sup>۸</sup> ادعا می کنند که از آنجایی که این گزارش دارای سوگیری است، سطوح قربانی شدن در زنان آنچنان که تحقیق بالا به آن اشاره کرد کم نیست. قربانی شدن های قبلی مشخص می سازد که این نوع قربانی شدن می تواند همچنین توسط موقعیت های پیرامونی محیط همسایگی تأثیر پذیرد.

۱. Adu-Mireku

۲. Miceli & Others

۳. May & Dunaway

۴. Johanston, 2001

۵. Garofalo, 1979

۶. Ferraro, 1996; Warr, 1985

۷. Sacco, 1990

۸. Galle, 1984



نویسندگان مختلفی اظهار کرده‌اند که به طور محتمل تری تجربیات قربانی شدن در محله پر مخاطره رخ داده است (فرگوسن و ماندل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۳۲۴).

ادله‌ای در تمام نقدهای اساسی و فمینیستی وجود دارد که قربانی شدن قبلی در ایجاد احساس ناامنی زنان ایفاء نقش می‌کند (علوی و دیگران، ۲۰۰۱: ۶۴۴). البته بسیاری از زنان بدون در نظر گرفتن محیط اطرافشان احساس آسیب پذیری می‌کنند. اما برخی استدلال می‌کنند که ناکارآمدی تحقیقات آن است که آن‌ها بین زنانی که شب هنگام در خیابان هستند و بنابراین می‌ترسند و زنانی که هرگز بعد از تاریکی از خانه خارج نمی‌شوند و تنها تصور می‌کنند که اگر بعد از تاریکی از خانه خارج شوند احساساتشان به چه شکل خواهد بود، تفاوت قائل نمی‌شوند (علوی و دیگران، ۲۰۰۱: ۶۴۵).

براین اساس بین (۱۹۸۵)<sup>۲</sup> پیشنهاد می‌کند که عوامل شخصی و محیطی با احساس ناامنی مرتبط هستند. عوامل شخصی شامل ادراک آسیب پذیری، قربانی شدن شخصی و عوامل محیطی هستند. ادراک آسیب پذیری به ادراک یک فرد از قربانی شدن اشاره دارد. عوامل محیطی شامل دو بعد می‌شوند: (a) بعد فیزیکی همچون خانه‌های متروکه، تراکم جمعیت و کیفیت زندگی و (b) بعد اجتماعی همچون وضعیت اقتصادی و ترکیب جمعیتی (جوزف، ۱۹۹۷: ۷۰۰). بنابراین باید توجه داشت که تجربه قبلی جرایم خشونت آمیز شامل تعرض جنسی تا جرایم غیرخشونت آمیز نظیر مزاحمت تلفنی و یا تنه زدن در خیابان را شامل می‌شود. وار در آثار خود تاکید می‌ورزد که تجربه قبلی جرایم می‌تواند به شکل غیرمستقیم بر ترس تأثیر بگذارد (وار<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴: ۶۹۷). در این زمینه کین هم عقیده دارد که تجربه حملات و تعرضات خاص نسبت به سایر عوامل به شکل بهتری احساس ناامنی را تبیین می‌کند. حتی در کنار حملات و آزارهای فردی جدی نظیر تعرض جنسی، سایر تعرضات نظیر تهدید به این امر، تعقیب شدن، مزاحمت تلفنی و مواجهه با مردان عورت نما<sup>۴</sup> نیز موجب ترس می‌شوند. از نظر مک میلان تجربه رفتار تهدیدآمیز از منبعی ناشناخته و غریبه پتانسیل بیشتری را برابر ترس از خشونت جنسی فراهم می‌آورد (مک میلان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰: ۳۱۷).

بسیاری از پژوهش‌ها بر آن بوده‌اند تا از تئوری فعالیت‌های روزمره برای بررسی

۱. Ferguson & Mindel

۲. Yin, 1985

۳. Warr

۴. Indecent Exposure

۵. Macmillan

قربانی شدن استفاده کنند. اگرچه تنها تعداد کمی از آن به طور ویژه برای بررسی قربانی شدن زنان بهره می گیرند. طبق این نظریه برای به وقوع پیوستن جرم، ۳ رخداد باید هم زمان اتفاق بیافتد: باید فرد متهاجم برانگیخته و راغب، هدفی آسیب پذیر، و نبود حفاظتی کارآمد وجود داشته باشد (کوهن و فلسون، ۱۹۷۹)<sup>۱</sup>. مورد مد نظر در اینجا هدفی آسیب پذیر است. بسیاری از منتقدان نقل کرده اند، آسیب پذیری تصور شده یک فرد در مقابل جرم است (جانسون، ۱۹۹۶)<sup>۲</sup>. تأثیر فعالیت های روزمره بر احساس ناامنی کاملاً بررسی نشده است، اما شواهد حاکی از آن است که کنندی و فورد (۱۹۹۰) دریافتند قربانی شدن واقعی برای مردان جوانی که به طور مداوم خود را در وضعیت های پر خطر قرار می دهند، بیشتر است (علوی و دیگران، ۲۰۰۱: ۶۴۴).

این امر شاید به دلیل سبک زندگی و تغییر فعالیت ها و نیز کاهش حس آسیب پذیری جسمی باشد (اگر چه وار و الیسون به پیچیدگی های مهمی اشاره کرده اند). در آخر، مطالعات اولیه مربوط به احساس ناامنی حاکی از آن بود که قربانیان جرائم بیشتر دچار ترس هستند (گاروفالو ۱۹۷۷). مطالعات اخیر نتایجی مرکب به دست داده است (باومر، ۱۹۸۵؛ بورسلیک و گراسمیک، ۱۹۹۳؛ فرارو، ۱۹۹۶؛ می و دوناوی، ۲۰۰۰؛ مک گاررال و دیگران...)<sup>۳</sup> که به این گمان می انجامد که قربانی شدن هنگامی که نیابتی (غیرمستقیم) باشد شدیدتر است (یعنی از طریق رسانه ها، خانواده، دوستان و همسایگان)<sup>۴</sup> (شفر و دیگران، ۲۰۰۶: ۸-۲۸۷). لذا ترس ممکن است از طریق دانش جرم غیرمستقیم که از طریق رسانه ها، خانواده ها، دوستان، همکاران و همسایگان به دست می آید، تسهیل شود. به علاوه، آن هایی که بیشتر با مسائل جرم در جامعه سرو کار دارند به جهت افزایش دانش، بیشتر دچار ترس می شوند (گاروفالو، لويس وسالم، مک گارل، اسکوگان و مکسفیلد، ژوا، گیسون، لووریچ و گافنی)، به ویژه شهروندانی که به صورت داوطلب با پلیس محلی همکاری می کنند (شفر و دیگران، ۲۰۰۶: ۲۸۸).

دوم این که، بسیاری از مردم بیشتر می ترسند تا اینکه واقعاً قربانی شوند و سطوح ترس بالاتر است از اینکه ظاهراً از طریق نرخ های واقعی جرم توجیه شود،

۱. Cohen & Felson, 1979

۲. Johnson, 1996

۳. Baumer, 1985; Bursik & Grasmick, 1993; Ferraro, 1996; May & Dunaway, 2000; McGarrell et al, 1997; Mesch, 2000; Parker & Ray, 1990; Will & McGrath, 1995.

۴. Covington & Taylor, 1991; Skogan & Maxfield, 1981

۵. Schafer & Others

۶. Vicarious



حتی اگر تصور کنیم میزانی از جرائم گزارش نمی شوند. این امر منجر به بررسی تکثیرکننده های جرم شده است: فرآیندهایی در محیط های مسکونی عمل کرده و تأثیر وقایع جنایی را گسترش می دهند (تایلور و هال، ۱۹۸۶: ۳-۱۵۲).

سوم، الگوسازی ترس بین مناطق با الگوسازی سطوح جرم تناسب ندارد. اگرچه حداقل یک پژوهش دریافته است که قربانیان واقعی جرم از افراد غیرقربانی بیشتر می ترسند، مناطقی که نرخ جرم و قربانی شدن بالایی دارند همیشه ساکنانی که ترس بالایی دارند، نداشته اند. این عدم تناسب مکانی سطوح ترس با سطوح جرم منجر به مباحثات ادامه دار در مورد معنا یا اعتبار ساختاری مواد مورد پژوهش احساس ناامنی شده است (تایلور و هال، ۱۹۸۶: ۱۵۳).

دیدگاه قربانی شدن غیرمستقیم، بر آن بوده است تا فرآیندهای ارتباط بین ترس و جرم را شفاف سازد. این رویکرد ۲ نکته عمده دارد. اولاً، این رویکرد، روابط دو سویه جمعیتی-اجتماعی ترس را به عنوان بازتاب های آسیب پذیری در جرائم خشونت بار تعبیر می کند. طبق این استدلال، سن و مؤنث بودن با ترس رابطه دو سویه دارد چرا که آن ها منعکس کننده آسیب پذیری فیزیکی بیشتری در قبال جرم می باشند. اگر افراد سالمند یا زنان مورد تعرض و تهاجم قرار گیرند آسیب ممکنه بیشتر خواهد بود نسبت به مواردی که مردان و افراد جوان تر مورد تهاجم قرار گیرند. به علاوه، طبق این دیدگاه، جزء کم در آمد بودن منعکس کننده آسیب پذیری اجتماعی بیشتری است. تهی دستان بیشتر آسیب پذیر هستند چرا که احتمال بیشتری وجود دارد که در مناطقی زندگی کنند که میزان متعرضان و تعرض بالا باشد و باعث شود قربانی شوند. به گونه ای متفاوت، این دیدگاه تعبیری از ارتباطات بین مشخصه های جمعیتی-اجتماعی و ترس فراهم آورده و بر جمعیت شناسی خاص تمرکز می نماید (تایلور و هال، ۱۹۸۶: ۱۵۶).

نکته دوم این مدل آن است که وقایع جنایی امواج شوک ساطع می کند، که در تمام جامعه از طریق شبکه های اجتماعی انتشار می یابد. افرادی که در مورد جرم چیزهایی می شنوند قربانی غیرمستقیم هستند به این صورت که سطح ترس آن ها افزایش می یابد. روابط اجتماعی محلی تأثیر برانگیختگی ترس را از جرائم محلی دامن می زند. از این رو مدل قربانی شدن غیرمستقیم بر آن است که جرم و ترس را از طریق اضافه کردن تکثیرکننده جرم مورد بررسی قرار دهد (تایلور و هال، ۱۹۸۶: ۱۵۶).

براین اساس برخی پژوهش ها دیدگاه قربانی شدن غیرمستقیم را پشتیبانی

می کنند. اگرچه شنیدن در مورد جرائم به طور بارزی سطوح ترس را بین افراد افزایش می دهد، اما به طور چشمگیری آسیب پذیری شخصی ارزیابی شده افزایش نیافته است. تحلیل دوباره مکس فیلد و اسکوگان از پژوهش چند شهر یافته های مشابهی داشت: افرادی که فرد قربانی جرم محلی را می شناختند، ترس بیشتری داشتند. و اگر جرم شنیده شده سرقت یا تعرضی شدید بود، ترس به میزان بالای افزایش می یافت. نویسندگان چنین نتیجه گیری کردند که «برخی اشکال تجربه نیابتی (غیرمستقیم) از جرم تأثیری شدید بر انتشار ترس دارد... برخلاف قربانی شدن مستقیم، روبه رو شدن غیرمستقیم با جرم مکرر بوده و تقریباً گسترده می باشد.» از این رو در دیدگاه قربانی شدن غیرمستقیم تلاش برای مشخص سازی ارتباط ترس - جرم، علیرغم اینکه ارتباط مستقیم نیست، نقطه تمرکز کلیدی است (تایلور و هال، ۱۹۸۶: ۱۵۷).

از طرفی در دیدگاه تجربه جرم، تأثیر قربانی شدن مستقیم و غیرمستقیم و استفاده از رسانه ها، متغیرهای اصلی مورد نظر هستند. در سطح فردی و شاید برخلاف انتظارات، شواهد تجربی که از رابطه مستقیم بین قربانی شدن مستقیم یا شخصی و احساس ناامنی پشتیبانی می کنند، ترکیب شده اند. برخی نویسندگان (مانند: یین، ۱۹۸۰؛ اسکوگان، بلیه و زینگراف، ۱۹۸۸، ...) <sup>۱</sup>، شواهدی دال بر حمایت از این رابطه ارائه داده اند. در حالی که کسانی چون گاروفالو (۱۹۷۹)؛ باکس، هال و آندروز (۱۹۸۸) <sup>۲</sup> این رابطه را ضعیف یافتند. یا به عدم وجود آن پی بردند (لی، ۱۹۸۲؛ بیکر و دیگران، ۱۹۸۳؛ گیلز - اسیمز، ۱۹۸۴؛ تامپسون، بانکستون و پیرره، ۱۹۹۲) <sup>۳</sup>. این عدم انسجام می تواند منابع مختلفی داشته باشد. شامل نقص های روش شناختی در ارزیابی قربانی شدن قبلی، یا احساس ناامنی، عدم کنترل دیگر متغیرها یا تعداد اندک قربانی ها در نمونه.

به لحاظ نظری، استدلال برخی بر آن است که تأثیر قربانی شدن پیشین به وسیله عقاید افراد یا استفاده از تکنیک های کمک کننده برای مقابله تعدیل می شود (هال <sup>۴</sup>، ۱۹۹۶).

برخی اوقات محققان (باکس، هال و آندروز، ۱۹۸۸؛ گومه، ۱۹۸۸) <sup>۵</sup> رابطه ای قوی تر بین احساس ناامنی و قربانی شدن غیرمستقیم نسبت به احساس ناامنی و

۱. Yin, 1980; Skogan, Belyea & Zingraff, 1988, ...

۲. Garofalo, 1979; Box, Hale & Andrews, 1988

۳. Lee, 1982; Baker, et al, 1983; Giles - Sims, 1984; Thompson, Bankston & St. Pierre, 1992

۴. Hale

۵. Box, Hale & Andrews, 1988; Gomme, 1988



قربانی شدن مستقیم گزارش می کنند. یکی از دلایل این رابطه قوی انتشار گسترده تجارب قربانی شدن غیرمستقیم است، که آزمایشات آماری را در آشکار ساختن روابط بارز و مهم قدرتمندتر می سازد. از نظر تئوریک، برخی نویسندگان مانند هال (۱۹۹۶) چنین استدلال می کنند که در گیر نبودن خود فرد به عنوان یک قربانی تصورات را بسط می دهد، یا تکنیک های مقایسه با قربانی را در اختیار او قرار می دهد (هیلث، ۱۹۸۴؛ وینکل، ۱۹۹۸)<sup>۱</sup> و در نتیجه آسیب پذیری شخصی تقویت می شود.

روزنامه ها، رادیو و علی الخصوص تلویزیون نقش شاخص در تصورات و دیدگاه های رایج در مورد جرم دارند.

گزارش های مربوط به جرم رسانه ها اکثراً بر شدیدترین و جنجالی ترین جرائم متمرکز بوده، و عبارت به اصطلاح «مواج جنایت» می تواند از طریق گزارشات ژورنالیستیک آغاز گردد.

ظاهراً قابل قبول است که بدین ترتیب استفاده از رسانه ها می تواند بر احساس ناامنی تأثیر داشته باشد. در واقع، شواهد حاکی از آن است که خواندن گزارش های جرم در روزنامه ها ایجادکننده احساس ناامنی است. به ویژه هنگامی که گزارشات مربوط به جرائم محلی باشد، هنگامی که قربانی به طور تصادفی انتخاب شود یا هنگامی که جرم همراه با تقارن عجیبی رخ داده باشد.

وینکل و ویجی (۱۹۹۰)<sup>۲</sup> استدلال کرده اند که نزدیکی روانشناسی و نه جغرافیایی احساس ناامنی را بالا می برد: فرضیه مشابهت آن ها اشاره دارد به "... میزانی که خواننده (مطالب) با قربانی آشنا باشد، میزانی که محله یک فرد با محل توصیف شده شباهت داشته باشد و میزانی که شکل جنایت توصیف شده، به جنایتی که یک فرد از آن می ترسد شبیه است (وینکل و ویجی، ۱۹۹۰: ۲۶۶). براین اساس در حالتی مشابه متخصصان (دوب، مک دونالد و گومه)<sup>۳</sup> استدلال می کنند که تداوم و تکرار تماشای تلویزیون و یا گوش دادن به رادیو تأثیری بر احساس ناامنی ندارد. اگرچه کریسوس، اسچولز و گرتز (۱۹۹۷)<sup>۴</sup> دریافتند احساس ناامنی با تماشای صحنه های خشونت در تلویزیون مرتبط است (گرت، ۷-۶).

بنابراین با توجه به نظرات کسانی که در زمینه تجربه مستقیم و غیرمستقیم از جرم

۱. Heath, 1984; Winkel, 1998

۲. Winkel & Virj, 1990

۳. Doob & Macdonald, 1979; Gomme, 1988

۴. Chiricos, Eschholz & Gertz, 1997

۵. Gert

که در این قسمت از پژوهش از آنان نام برده شد، اعتقاد بر آن است که افرادی که قبلاً قربانی جرایمی چون (سرقت، صدمه جانی، شنیدن متلک و...) شده‌اند و یا این جرائم را از طریق رسانه‌ها، دوستان، نزدیکان و... خود شنیده‌اند، احساس امنیت کمتری به نسبت کسانی که این تجربه را کسب نکرده، دارند. در نتیجه می‌توان بیان داشت که:

**فرضیه تحقیق:** کسانی که تجربه مستقیم یا غیرمستقیمی از جرم دارند احساس امنیت کمتری نسبت به جرم دارند.

## روش تحقیق و مراحل آن

چارچوب نظری پژوهش از طریق روش اسنادی تهیه شده و روش پاسخگویی به گویه‌ها و سؤالات پرسشنامه به روش پیمایشی صورت گرفته است. تحقیق ماهیت کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه ساکنین شهر یاسوج می‌باشد. که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۰۸۵۰۵ نفر می‌باشند. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای بوده و از هر خوشه چند بلوک به طور تصادفی انتخاب شده که با توجه به حجم خانوار و ترکیب جنسی به طور متناسب در داخل آن‌ها توزیع گردیده است. حجم نمونه تقریباً ۳۸۴ نفر است که بر اساس فرمول کوکران محاسبه گردید.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد که پس از تعیین شاخص‌های لازم برای متغیرهای پژوهش گویه‌هایی طراحی و در قالب پرسشنامه‌ای که اعتبار آسوری، پایایی<sup>۴</sup> و مدل عاملی تأییدی آن تأیید شد، در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Amos و SPSS انجام گردید.

۱. Documentary Method

۲. Survey Method

۳. Validity

۴. Reliability



جدول (۱): ضریب آلفای کرونیباخ مقیاس‌ها در پرسشنامه

| ضریب<br>روایی | متغیرها                                                                                                                                                                                                       |        |                |
|---------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------|----------------|
| ۰/۷۳          | خالی گذاشتن منزل، استفاده نکردن از اقدامات امنیتی، پارک اتومبیل در خیابان، سپردن سرمایه به دیگران، به همراه داشتن کیف پول و...، خرید مسکن و ... از طریق آگهی روزنامه                                          | مالی   | احساس<br>امنیت |
| ۰/۷۲          | فرستادن فرزند به مدرسه در مسیر طولانی، تردد با مسافرکش شخصی در شب، قدم زدن در مسیر خلوت، تردد در ساعات پایانی شب، ترس از مورد آزار و اذیت، تجاوز به عنف، دوستی با افراد غریبه، پذیرفتن خوراکی از افراد ناشناس | جانی   |                |
| ۰/۷۰          | شرکت در مجالس عروسی که فیلم برداری می‌شود، شرکت در تجمعات شلوغ، رفتن به پارکها در سطح شهر، امنیت خاطر از تردد جاده‌ها، رعایت بهداشت عمومی در سطح شهر                                                          | جمعی   |                |
| ۰/۷۳          | نداشتن نگرانی فکری، داشتن آسودگی خاطر، اعتماد و اطمینان به آینده، داشتن آرامش روحی روانی در خانه، آرامش خاطر در محل کار و...، داشتن آرامش روحی و فکری نسبت به مسائل روزمره                                    | فکری   |                |
| ۰/۶۸          | سرقت کیف پول، طلا و...، سرقت اتومبیل، سرقت منزل، زورگیری و اخاذی                                                                                                                                              | مالی   | تجربه<br>جرم   |
| ۰/۷۰          | درگیری خیابانی، تعقیب و مزاحمت، تجاوز به عنف و صدمه، توقف اتومبیل برای سوارشدن                                                                                                                                | جانی   |                |
| ۰/۸۰          | شنیدن متلک، لمس بدن و تنه زدن عمدی، عرض اندام اراذل و اوباش، مواجهه با مردان عورت نما                                                                                                                         | اخلاقی |                |

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

### الف - بخش توصیفی

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت، از کل نمونه (۴۶/۹) درصد را مرد و (۵۳/۱) درصد را زنان؛ بر حسب محل سکونت، (۳۱/۳) درصد افراد ساکن در منطقه بالای شهر (منطقه ۱)، (۳۹/۳) درصد افراد ساکن در منطقه متوسط شهر (منطقه ۲) و (۲۹/۴) درصد افراد ساکن در منطقه پایین شهر (منطقه ۳)؛ بر حسب وضعیت تأهل، (۴۷/۹) درصد افراد مجرد، (۴۸/۲) درصد افراد متأهل و (۳/۹) درصد افراد بی همسر (بر اثر طلاق یا فوت همسر)؛ بر حسب گروه سنی که (۱۷/۲) درصد متعلق به

۱. در تحقیق حاضر، با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، خدمات شهری، امکانات رفاهی به منطقه مرفه نشین، متوسط نشین و فقیرنشین انتخاب کرده، سپس از درون هر منطقه، خیابانهایی به روش تصادفی انتخاب شده و در مرحله بعد از هر منطقه، محله‌هایی به صورت تصادفی انتخاب و در مرحله آخر پاسخگویانی به صورت تصادفی انتخاب شدند.

گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله، (۲۳/۴) درصد گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله، (۱۸/۸) درصد گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله، (۸/۹) درصد گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله، (۷/۳) درصد گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله، (۷/۸) درصد گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله، (۵/۷) درصد گروه سنی ۴۹-۴۵ ساله، (۴/۴) درصد گروه سنی ۵۴-۵۰ ساله، (۱/۶) درصد گروه سنی ۵۹-۵۵ ساله و (۱/۳) درصد گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر؛ بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی<sup>۱</sup> که از کل نمونه پاسخگویان (۴۴/۸) درصد افراد متشکل از طبقه پایین، (۳۰/۲) درصد افراد طبقه متوسط و (۲۵/۰) درصد افراد طبقه بالا، لازم به توضیح است که برای ساختن این متغیر از ترکیب چند گویه، یعنی نوع مسکن، مالکیت اتومبیل و قیمت آن، میزان هزینه ماهیانه خانواده، منطقه محل سکونت و نوع شغل سرپرست خانوار استفاده گردید؛ بر حسب تعداد سالهای سکونت از کل نمونه (۱۲/۰) درصد کسانی هستند که به مدت ۲ سال، بیشترین فراوانی را در بین پاسخگویان دارند و (۰/۳) درصد نیز افرادی را در بر می گیرد که به مدت ۱۱، ۵۲، ۴۶، ۵۴، ۵۸ و ۶۳ سال، کمترین فراوانی را در محل سابق سکونت داشته اند.

جدول (۲): توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب احساس امنیت و ابعاد آن

| احساس امنیت | بعد مالی | بعد جانی | بعد جمعی | بعد فکری |  |
|-------------|----------|----------|----------|----------|--|
| میانگین     | ۲/۸۸     | ۴۱/۲     | ۲۹/۳     | ۳۵/۳     |  |
| میانه       | ۲/۸۸     | ۳۷/۲     | ۲۰/۳     | ۳۳/۳     |  |
| مد          | ۳/۲۰     | ۰۰/۲     | ۸۰/۲     | ۱۷/۳     |  |

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب احساس امنیت و ابعاد آن (مالی، جانی، جمعی و فکری) می باشد. متوسط احساس امنیت شهروندان یاسوجی از ۵ نمره ۲/۸۸ می باشد. و در بین ابعاد احساس امنیت، بیشترین نمره میانگین (۳/۳۵) مربوط به بعد امنیت فکری و کمترین نمره میانگین (۲/۴۱) مربوط به بعد امنیت جانی می باشد. به عبارتی این شهروندان بیشترین احساس امنیت را به لحاظ فکری و کمترین احساس امنیت را از لحاظ بعد جانی دارا هستند.

۱. از مجموع نمرات به دست آمده از گویه های طراحی شده برای سنجش پایگاه اجتماعی-اقتصادی، و با به دست آمدن نمره میانگین این متغیر، آن را در سه گروه (بالا، متوسط و پایین) با توجه به نمره کسب شده، دسته بندی نمودیم.

جدول (۳): توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب تجربه جرم

| ابعاد قربانی شدن<br>غیر مستقیم |       |       | تجربه جرم<br>غیر مستقیم | ابعاد قربانی شدن<br>مستقیم |       |       | تجربه جرم<br>مستقیم |         |
|--------------------------------|-------|-------|-------------------------|----------------------------|-------|-------|---------------------|---------|
| اخلاقی                         | جانی  | مالی  |                         | اخلاقی                     | جانی  | مالی  |                     |         |
| ۰/۲۰                           | ۰/۱۵  | ۰/۲۲  | ۰/۱۹                    | ۰/۲۵                       | ۰/۱۱  | ۰/۱۲  | ۰/۱۶                | میانگین |
| ۰/۰۰۰                          | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۵۰ | ۰/۰۸۳۳                  | ۰/۲۵۰                      | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۸                | میانه   |
| ۰/۰۰                           | ۰/۰۰  | ۰/۰۰  | ۰/۰۰                    | ۰/۰۰                       | ۰/۰۰  | ۰/۰۰  | ۰/۰۸                | مد      |

جدول شماره (۳) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد تجربه جرم (قربانی شدن) مستقیم و تجربه غیر مستقیم می باشد. میانگین نمره پاسخگویان بر حسب تجربه جرم مستقیم (۰/۱۶) و تجربه غیر مستقیم (۰/۱۹) می باشد، که بیانگر نمره بیشتر از سوی تجربه غیر مستقیم می باشد. در بین ابعاد تجربه مستقیم (مالی، جانی و اخلاقی)، بیشترین نمره میانگین (۰/۲۵) مربوط به بعد اخلاقی و کمترین نمره میانگین (۰/۱۱) مربوط به بعد جانی می باشد. به عبارتی در بین شهروندان یاسوجی بیشترین بروز جرایم، جرایم اخلاقی و کمترین جرایم، جرایم جانی می باشد. و در بین ابعاد تجربه غیر مستقیم مالی، جانی و اخلاقی، بیشترین نمره میانگین (۰/۲۲) مربوط به بعد مالی و کمترین نمره میانگین (۰/۱۵) مربوط به بعد جانی می باشد. به عبارتی در بین شهروندان یاسوجی بیشترین بروز جرایم غیر مستقیم، جرایم مالی و کمترین جرایم، جرایم جانی می باشد.

### ب- بخش استنباطی

فرضیه ۱: بین تجربه مستقیم جرم و احساس امنیت رابطه دارد.

جدول (۴): آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد احساس امنیت و تجربه مستقیم جرم

| سطح معنی داری | ضریب همبستگی |                           |                  |
|---------------|--------------|---------------------------|------------------|
| ۰/۴۷۴         | ۰/۰۳۷        | تجربه مستقیم جرم          | احساس امنیت      |
| ۰/۰۵۸         | -۰/۰۹۷       | تجربه مستقیم جرم (مالی)   | احساس امنیت مالی |
| ۰/۹۹۲         | -۰/۰۰۱       | تجربه مستقیم جرم (جانی)   |                  |
| ۰/۰۲۴         | -۰/۱۱۵(*)    | تجربه مستقیم جرم (اخلاقی) |                  |

|       |            |                           |                  |
|-------|------------|---------------------------|------------------|
| ۰/۴۲۱ | ۰/۰۳۱      | تجربه مستقیم جرم (مالی)   | احساس امنیت جانی |
| ۰/۰۲۹ | -۰/۱۱۲(*)  | تجربه مستقیم جرم (جانی)   |                  |
| ۰/۲۵۱ | ۰/۰۵۹      | تجربه مستقیم جرم (اخلاقی) |                  |
| ۰/۴۰۶ | -۰/۰۴۲     | تجربه مستقیم جرم (مالی)   | احساس امنیت جمعی |
| ۰/۸۰۰ | ۰/۰۱۳      | تجربه مستقیم جرم (جانی)   |                  |
| ۰/۰۶۹ | ۰/۰۹۳      | تجربه مستقیم جرم (اخلاقی) |                  |
| ۰/۰۰۰ | -۰/۲۰۲(**) | تجربه مستقیم جرم (مالی)   | احساس امنیت فکری |
| ۰/۳۲۹ | -۰/۰۵۰     | تجربه مستقیم جرم (جانی)   |                  |
| ۰/۵۶۰ | ۰/۰۳۰      | تجربه مستقیم جرم (اخلاقی) |                  |

برای آزمون وجود رابطه بین متغیر تجربه مستقیم جرم و احساس امنیت از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید (جدول ۴)، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار  $r = ۰/۰۳۷$  و سطح معنی داری،  $۰/۴۷۴$ )، می توان اظهار داشت که بین تجربه مستقیم جرم و احساس امنیت هیچ رابطه ای برقرار نیست و این فرضیه حتی با توجه به تحقیقات پیشین قبلی و چارچوب نظری مرتبط با آن که رابطه بین این دو متغیر را مستقیم می داند و اعتقاد بر آن است که افرادی که قبلاً جرایمی چون (سرقت، صدمه جانی، شنیدن متلک و...) را تجربه کرده اند احساس امنیت کمتری به نسبت کسانی که این تجربه را کسب نکرده اند، دارند. پس می توان با توجه به نتیجه این آزمون بیان داشت که در این پژوهش و در بین شهروندان و همین طور گروه های مورد استفاده برای سنجش متغیر مورد نظر، فرضیه مورد نظر رد می شود و با احتیاط می توان گفت که تجربه مستقیم از جرم بر احساس امنیت شهروندان تأثیر خاصی ندارد و کسانی که این مورد را تجربه کرده اند همچون سایر افراد که این تجربه را نداشته اند احساس امنیت تقریباً یکسانی را دارا هستند. اما با توجه به ارتباط معنادار و غیرمستقیم بعد مالی احساس امنیت با بعد اخلاقی تجربه مستقیم از جرم، بعد جانی احساس امنیت با بعد جانی تجربه مستقیم از جرم و بعد فکری احساس امنیت با بعد مالی تجربه مستقیم از جرم نشان می دهد که بررسی رابطه ابعاد هر دو متغیر حائز اهمیت می باشد.





جدول (۵): آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد احساس امنیت و تجربه غیرمستقیم جرم

| سطح معنی داری | ضریب همبستگی |                              |                  |
|---------------|--------------|------------------------------|------------------|
| ۰/۲۹۲         | ۰/۰۵۴        | تجربه غیرمستقیم جرم          | احساس امنیت      |
| ۰/۹۱۰         | ۰/۰۰۶        | تجربه غیرمستقیم جرم (مالی)   | احساس امنیت مالی |
| ۰/۴۶۶         | -۰/۰۳۷       | تجربه غیرمستقیم جرم (جانی)   |                  |
| ۰/۲۵۰         | ۰/۰۵۹        | تجربه غیرمستقیم جرم (اخلاقی) |                  |
| ۰/۱۶۲         | ۰/۰۷۱        | تجربه غیرمستقیم جرم (مالی)   | احساس امنیت جانی |
| ۰/۲۱۵         | ۰/۰۶۳        | تجربه غیرمستقیم جرم (جانی)   |                  |
| ۰/۰۰۱         | -۰/۱۶۳ (***) | تجربه غیرمستقیم جرم (اخلاقی) |                  |
| ۰/۶۷۲         | -۰/۰۲۲       | تجربه غیرمستقیم جرم (مالی)   | احساس امنیت جمعی |
| ۰/۰۵۵         | -۰/۰۰۶       | تجربه غیرمستقیم جرم (جانی)   |                  |
| ۰/۲۷۹         | ۰/۰۵۵        | تجربه غیرمستقیم جرم (اخلاقی) |                  |
| ۰/۵۸۱         | -۰/۰۲۸       | تجربه غیرمستقیم جرم (مالی)   | احساس امنیت فکری |
| ۰/۳۱۸         | -۰/۰۵۱       | تجربه غیرمستقیم جرم (جانی)   |                  |
| ۰/۸۳۳         | -۰/۰۱۱       | تجربه غیرمستقیم جرم (اخلاقی) |                  |

**فرضیه ۲:** بین تجربه غیرمستقیم جرم و احساس امنیت رابطه دارد.

برای آزمون وجود رابطه بین متغیر تجربه غیرمستقیم جرم و احساس امنیت از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید (جدول شماره ۵)، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار  $r = 0/054$  و سطح معنی داری  $0/292$ )، می توان بیان نمود که بین تجربه غیرمستقیم از جرم و احساس امنیت رابطه ای وجود ندارد و همانطور که در رابطه بین متغیر تجربه مستقیم جرم و احساس امنیت فرضیه مورد نظر به تأیید نرسید، در این فرضیه هم رابطه ای بین کسانی که از جرم تجربه غیر مستقیم دارند (یعنی قربانی جرم نشده اند بلکه از زبان دوستان و اطرافیان خود آن را شنیده اند)

نیز ارتباط آماری وجود ندارد و فرضیه مطرح شده نیز با توجه به آزمون فوق رد می شود.

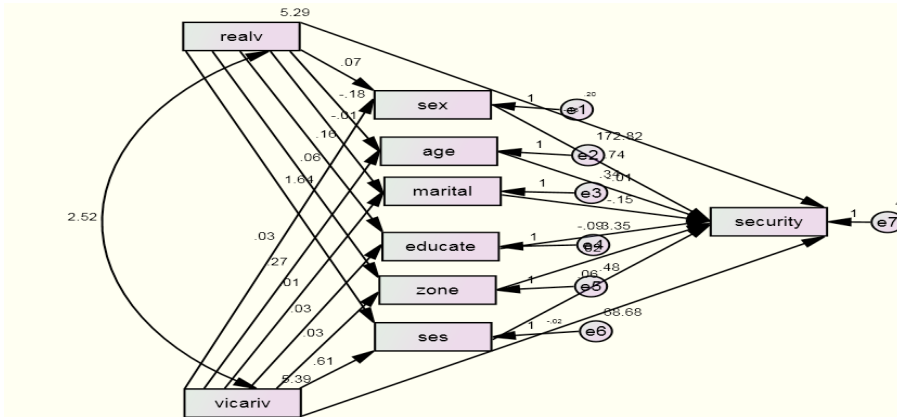
اما با توجه به ارتباط معنادار و غیرمستقیم بعد جانی احساس امنیت با بعد اخلاقی تجربه غیرمستقیم از جرم، نشان می دهد که بررسی رابطه ابعاد هر دو متغیر حائز اهمیت می باشد.

## مدل مسیر

از آنجا که در بخش پیشین به رابطه همبستگی دو متغیر مهم تحقیق (تجربه جرم و احساس امنیت) پرداختیم. در این قسمت از پژوهش سعی بر آن شده است تا متغیرهای میانجی را که به نوعی در چارچوب نظری به آن‌ها اشاره گردیده است، مورد آزمون قرار دهیم.

مدل مسیر یکی از انواع مدل‌هایی هستند که می توان در تبیین و پیش بینی پدیده‌های مختلف از آن‌ها بهره برد. مدل‌های مسیر دارای ویژگی‌های هستند (مانند: همه متغیرهای مدل، مشاهده شده هستند (به استثنای متغیرهای خطا)، وجود بیش از یک متغیر درونی، بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم) که به لحاظ داشتن چنین خصایصی معمولاً به عنوان یکی از زیربنایی ترین انواع مدل‌ها در بحث‌های مدل سازی معادله ساختاری مورد توجه قرار می گیرند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۸۶).

چهار شاخص مهم برازش در اینجا آورده شده یکی شاخص (کای اسکوار تقسیم بر درجه آزادی می باشد، در صورتی که مقدار این شاخص ۲ و کمتر شود نشان از برازش مطلوب می باشد. چلبی حتی مقدار ۳/۰۶ را نیز برازش نسبتاً خوبی از مدل می داند. شاخص دیگر RMSEA است که مقدار کمتر از ۰/۱۰ در حد قابل قبولی است. همچنین شاخص نکویی برازش GFI هر چقدر به یک نزدیک تر باشد، بیانگر برازش بهتر مدل است. شاخص دیگری که به منظور برازش مدل از آن استفاده می گردد. شاخص AGFI می باشد. میزان این شاخص هم هر چه به یک نزدیک تر باشد مطلوب تر است (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۸۰).



شکل (شماره ۱): ضرایب استاندارد (standard) مدل مسیر

Chi-Square = ۵/۷۴۷ RMSEA = ۰/۳۶۰ GFI = ۰/۷۱ AGFI = ۰/۸۳

با توجه به ضرایب معیارهای نیکویی و برازش مدل می توان گفت مدل تحقیق از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار می باشد. جدول شماره (۶) نیز تأثیر و شدت رابطه هر کدام از متغیرهای درونی و بیرونی بر یکدیگر و نهایتاً تأثیر آنها بر متغیر وابسته اصلی پژوهش (احساس امنیت) را نشان می دهد.

جدول (۶): وزن های رگرسیونی متغیرهای پژوهش بر احساس امنیت

| P      | Estimate | متغیر                                           | P     | Estimate | متغیر                                           |
|--------|----------|-------------------------------------------------|-------|----------|-------------------------------------------------|
| ***    | ۰/۰۷۳    | تجربه مستقیم جرم --> جنس                        | ۰/۰۱۲ | ۰/۰۲۸    | تجربه مستقیم جرم --> جنس                        |
| ۰/۵۹۶  | -۰/۱۷۹   | تجربه مستقیم جرم --> سن                         | ۰/۴۰۴ | ۰/۲۷۴    | تجربه مستقیم جرم --> سن                         |
| ۰/۶۴۳  | -۰/۰۰۷   | تجربه غیر مستقیم جرم --> وضعیت تأهل             | ۰/۴۶۸ | ۰/۰۱۱    | تجربه غیر مستقیم جرم --> وضعیت تأهل             |
| ***    | ۰/۱۶۴    | تجربه غیر مستقیم جرم --> تحصیلات                | ۰/۵۴۶ | ۰/۰۲۸    | تجربه غیر مستقیم جرم --> تحصیلات                |
| ***    | ۱/۳۶۳    | تجربه غیر مستقیم جرم --> پایگاه اجتماعی-اقتصادی | ۰/۰۰۳ | ۰/۶۰۸    | تجربه غیر مستقیم جرم --> پایگاه اجتماعی-اقتصادی |
| ***    | ۰/۰۶۱    | تجربه غیر مستقیم جرم --> منطقه محل سکونت        | ۰/۰۴۶ | ۰/۰۳۴    | تجربه غیر مستقیم جرم --> منطقه محل سکونت        |
| -۰/۳۹۱ | -۰/۰۰۷   | سن --> احساس امنیت                              | ۰/۰۰۳ | ۰/۷۴۱    | جنس --> احساس امنیت                             |
| ۰/۴۴۷  | -۰/۱۴۶   | وضعیت تأهل --> احساس امنیت                      | ۰/۱۵۹ | -۰/۰۸۷   | تحصیلات --> احساس امنیت                         |

|                                    |     |        |       |                                           |        |       |
|------------------------------------|-----|--------|-------|-------------------------------------------|--------|-------|
| منطقه محل سکونت<br>احساس امنیت     | --> | ۰/۰۲۱  | ۰/۸۹۹ | پایگاه اجتماعی-اقتصادی<br>--> احساس امنیت | ۰/۰۵۶  | **    |
| تجربه مستقیم جرم--><br>احساس امنیت | --> | -۰/۱۵۷ | ۰/۰۱۴ | تجربه غیرمستقیم جرم--><br>احساس امنیت     | -۰/۰۱۹ | ۰/۷۳۷ |

## نتیجه گیری

امن یعنی «اطمینان و آرامش خاطر» و «ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن» بنابراین از آنجائی که امنیت از امن گرفته شده است و با آن هم ریشه است و معنای هر دو یکی می باشد پس امنیت مترادف است با در امان بودن، ایمنی، آرامش، آسودگی و خاطر جمعی که با ترس، بیم و هراس در تضاد است و هنگامی عینیت پیدا خواهد کرد که از عوامل و موجبات ترس و وحشت اثری نباشد (ناصری و رحیمی نژاد، ۱۳۷۴: ۹). از نظر مازلو شدت و ضعف نیازهای مختلف در افراد متفاوت است و برخی بیشتر تحت تأثیر و سلطه دسته‌ای از نیازها هستند. نیاز به امنیت از جمله نیازهایی است که سهم عمده‌ای در رشد و سلامت افراد ایفا می کند. این نیاز که بنا بر نظر روان شناسان از دوره شیرخوارگی شروع می شود در سراسر حیات آدمی نقش اساسی دارد و بر رفتارهایش تأثیر می گذارد (درآنی، ۱۳۸۰: ۲۱). بنابراین برای شناخت ناامنی می بایست به ادراکی و احساسی بودن آن توجه کرد. ادراک عمدتاً خصلت نظری و انتزاعی و ذهنی دارد. این جنبه از ادراک را «درک مفهومی» می نامند. جنبه حسی و عینی تر ادراک همان احساس است. در افراد مختلف، احساس ها به طور طبیعی متنوع است و به لحاظ اینکه در انواع روابط اجتماعی تا چه اندازه منتفع و یا متضرر می شوند، این احساس طیفی از احساس ناامنی شدید تا احساس امنیت زیاد را تشکیل می دهد (دلاور، ۱۳۷۸: ۳۹-۳۷).

در سطح فردی، احساس امنیت در یک جامعه، به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی گردد و هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پائین تر است. ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعث از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه، امنیت وجود داشته باشد، لکن شهروندان آن، احساس امنیت نکنند و بالعکس (کلاهیجان، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

براین اساس تجربه مستقیم و غیرمستقیم از جرم، از جمله متغیرهای مهمی است که بر احساس امنیت شهروندان تأثیرگذار می باشد. این پژوهش نیز در مجموع کوششی بود که در آن سعی گردید با توجه به دیدگاه صاحب نظران مربوط به این امر، که در مقاله حاضر به آن اشاره گردید، به تبیین

اهمیت تجربه جرم در ایجاد احساس امنیت شهروندان پردازد که نتایج زیر از مهمترین یافته‌های این پژوهش می‌باشد.

بیشترین نمره میانگین ابعاد احساس امنیت مربوط به بعد امنیت فکری و سپس به ترتیب بعد جمعی، مالی و جانی می‌باشد. نمره بالای میانگین احساس امنیت فکری در جامعه آماری نشان از آن است که دغدغه‌های فکری در بین جامعه ما چقدر نسبت به دیگر ابعاد امنیت حائز اهمیت است. و تأییدی بر برتری بعد ذهنی امنیت نسبت به بعد عینی آن می‌باشد.

بیشترین نمره میانگین ابعاد تجربه مستقیم جرم مربوط به بعد اخلاقی و سپس بعد مالی و جانی می‌باشد. و این امر حاکی از شمار بالای جرائم اخلاقی در جامعه می‌باشد که حتی با وجود شیوع آن، مجازات و جریمه قانونی برای آن وجود ندارد و اگر هم هست در حد ضعیف می‌باشد. چنین امری باعث می‌شود کسانی که مرتکب جرائم اخلاقی می‌شوند باز هم به استمرار آن پردازند و ابایی از ارتکاب آن نداشته باشند.

و در بین ابعاد تجربه غیرمستقیم جرم، بیشترین نمره میانگین مربوط به بعد مالی و سپس بعد اخلاقی و جانی می‌باشد. که این امر بیان‌گر این است که جرائم مالی همانند بحث امنیت فکری که گویه‌های آن نیز اشاره‌ای به اهمیت مسائل مالی دارد در جامعه ما چقدر حائز اهمیت می‌باشد. و بحران‌های مالی و اقتصادی بزرگترین دغدغه ذهنی جامعه آماری مورد نظر بوده است.

در رابطه بین دو متغیر تجربه مستقیم و غیر مستقیم جرم با احساس امنیت، با توجه به تحقیقات پیشین قلبی و نظریه‌هایی که ارائه گردید این انتظار می‌رفت که بین این دو متغیر رابطه غیرمستقیمی برقرار باشد، یعنی افرادی که قبلاً مرتکب جرایمی چون (سرقت، صدمه جانی، شنیدن متلک و...) شده و یا آن را به طور غیرمستقیم، تجربه کرده‌اند، احساس امنیت کمتری به نسبت کسانی که این تجربه را کسب نکرده‌اند، داشته باشند. اما در پژوهش حاضر، این فرضیه به اثبات نرسید. به عبارتی تجربه جرم تأثیر به‌سزایی در احساس امنیت افراد مورد مطالعه نداشته است. که با تحلیل ثانویه داده‌های مؤسسه ملی آمار ایتالیا (که در سال ۱۹۹۵ انجام گردید و به این نتیجه رسید که قربانی جرم شدن تأثیر اندکی بر احساس ناامنی دارد (آمر، ۱۹۹۹). نتیجه استدلال محققانی مانند (باومر، ۱۹۵؛ مک گاررو، گیا کومارزی و تورمن، ۱۹۹۷) (که تأثیر قربانی شدن در گذشته بر روی ترس را ضعیف‌تر از آن می‌دانستند که مطالعات گزارش نموده‌اند). و نظر بالکین (که معتقد بود اگرچه قربانی شدن مستقیم با ترس در ارتباط است اما این ارتباط ضعیف است. و این

رابطه هنگام کنترل بیشتر متغیرهای مهم آسیب پذیری (مانند جنسیت، سن، نژاد و درآمد) (اسکوگان و مکسفیلد، ۱۹۸۱) قوی تر می شود (میشل و دیگران، ۲۰۰۴) مطابقت داشت.

اگرچه در نتایج بررسی روابط ابعاد متغیرها، مشاهده می شود که ارتباط معنادار و غیرمستقیمی بین بعد مالی احساس امنیت با بعد اخلاقی تجربه مستقیم از جرم، بعد جانی احساس امنیت با بعد جانی تجربه مستقیم از جرم و بعد فکری احساس امنیت با بعد مالی تجربه مستقیم از جرم و بین بعد جانی احساس امنیت با بعد اخلاقی تجربه غیرمستقیم از جرم، وجود دارد و حاکی از اهمیت بررسی روابط اجزای هر متغیری با متغیر دیگر است، اما با توجه به نتایج مدل مسیر پژوهش بهتر می توان اهمیت این موضوع را بررسی نمود. اینکه فاکتورهای دیگری (مانند جنسیت، سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، وضعیت تأهل و منطقه محل سکونت افراد) نیز در شناخت بهتر رابطه این دو متغیر تأثیر گذار می باشد. تبیین رابطه تجربه جرم و احساس امنیت، با ویژگی های فردی پاسخگو (زن است یا مرد؟ جزء طبقه آسیب پذیر است یا خیر؟ تحصیلات وی چه مقدار است؟ در کدام منطقه شهر ساکن است و...) چنین نتیجه ای در جهت تأیید نظر بالکین، اسکوگان و مکسفیلد که در بالا به آن اشاره گردید، و تحقیق چیریسوس و همکاران (که در سال ۱۹۹۷ در اوج پخش یک برنامه وحشتناک درباره جرایم خشن، با کنترل نمودن سن، جنس، نژاد، تجربه قربانی و... به این نتیجه رسیدند که این عوامل به طور معناداری مرتبط با احساس امنیت می باشد) مطابقت پیدا کرد. بنا به این نتایج می توان اظهار داشت شناخت پدیده های اجتماعی، با رابطه تک علتی بین دو عامل به دست نمی آید. برای اینکه بتوان به رابطه بین دو متغیر پی ببریم، نیازمند توجه بیشتر به متغیرهای واسط و تأثیر گذار بر آن ها هستیم.

### پیشنهادات و راهکارها

بر اساس موضوع مورد بحث در این پژوهش پیشنهادهای ارائه شده است که به آن اشاره می شود:

با توجه به نظر بالکین قربانی جرم شدن با ترس در ارتباط مستقیم است اما این ارتباط ضعیف است و این رابطه هنگام کنترل بیشتر متغیرهای مهم آسیب پذیری (مانند جنسیت، سن، نژاد و درآمد) (اسکوگان و مکسفیلد، ۱۹۸۱) قوی تر می شود. از آنجایی که قشر آسیب پذیر بیشتر در معرض جرم و آسیب هستند. از نهادهای مربوطه انتظار است تا توجه بیشتری در جهت شناخت مشکلات و ارائه راه حل های اساسی برای آن ها انجام دهند. فرضیه آسیب پذیری به این واقعیت اشاره دارد که

اقتشار آسیب پذیر اجتماع (زنان، سالمندان، طبقات پایین اجتماع، افراد ساکن در مناطق فقیرنشین شهر، کسانی که از لحاظ فیزیکی بدنی دچار نقصان هستند و...) بیشتر تحت تأثیر جرایم خشونت بار قرار دارند و در نتیجه احساس امنیت کمتری نسبت به گزینه های مقابلشان دارند. این افراد به دلیل ضعف جسمانی، ضعف مالی و... توان مقابله با جرم را نداشته و در نتیجه احساس ناامنی بیشتری نسبت به دنیای پیرامون شان دارند، اگر دولت و ارگان های مربوط به آن که حافظ امنیت اجتماع می باشند خواهان کاهش ترس این قبیل افراد از جرم و احساس ناشی از آن یعنی ناامنی هستند، موارد زیر جهت پیشنهاد ارائه می شود:

۱. در خصوص افراد سالمند؛ با بالا بردن حمایت های اجتماعی از طریق ارگانهای مربوطه (سازمان بیمه و بازنشستگی، بهزیستی، خانه های سالمندان و...) با ارتقا کیفیت زندگی این افراد آن ها را در مقابل جرایم جانی و مالی و دغدغه های فکری و روحی بیمه کرد و از آسیب های ناشی از آن در امان نگه داشت.

۲. در مورد اقتشار کم درآمد جامعه که به دلیل نیازهای مالی شدید و ترس ناشی از تأمین نکردن خواسته های خود و فرزندانشان دچار یک احساس ترس و ناامنی شدیدی نسبت به مسائل مالی به خصوص موقع بحران های اقتصادی هستند. از ارگان های مربوطه جهت حمایت این افراد کمک خواست تا با ارائه تسهیلات لازم جهت ارتقاء کیفیت زندگی آن ها و مواردی چون (تخفیف خرید کالاهای اساسی و یا ارائه بن، در اختیار نهادن خانه های ارزان قیمت به این اقتشار، توجه بیشتر جهت استخدام آنان در سازمان های خصوصی و دولتی، آموختن مشاغل فنی و حرفه ای برای کسب مهارت جهت استخدام و...) به مسائل آنان توجه لازم را مبذول داشته و در سایه چنین حمایت هایی آنان نیز بتوانند تا همچون دیگر شهروندان با داشتن احساس امنیت خاطر، به رشد و تعالی خود و اجتماع پردازند.

۳. با توجه به مناطق فقیرنشین شهر که احساس ایمنی آنان نسبت به دیگر مناطق شهر بسیار پایین می باشد، از آن جهت که در بیشتر این محله ها اختلالات فیزیکی و اجتماعی بسیاری وجود دارد و این بی نظمی و اختلال ها منجر به تضعیف ارزش ها و هنجارها و در نتیجه به هم از پاشیده گی آن اجتماع منجر می شود. می بایست ارگان های مربوطه چون شهرداری ها با اقداماتی چون تمیز نگه داشتن این محله ها از آلودگی های سطحی (چون وجود آشغال و زباله در کوچه و معابر) و مواظبت جهت نوشتن دیوار انگاشت ها، خسارات به تخریب اموال عمومی و... به مواظبت هرچه بیشتر این مناطق دقت بیشتری مبذول دارد.

و نیز پلیس با ایجاد یگان‌های ویژه‌ی خود در روز و شب به کنترل و نظارت بیشتر خود در این مناطق پردازد تا اختلالات فیزیکی و اجتماعی این مناطق نیز کاهش یابد. در نتیجه احساس امنیت ساکنان مناطق پایین شهر به خاطر حضور و اقتدار پلیس در آن، نیز بالا می‌رود.

۴. رسانه‌های جمعی از جمله عواملی هستند که امروزه نقش پررنگ و اساسی در جهت به وجود آوردن احساس امنیت/ناامنی ایفا می‌کنند. رسانه‌ها در حوزه عملکرد خود بیشتر در جهت اغراق جذب مخاطبین خود هستند و به عواقب ناشی از اخبار درست یا نادرستی که در اختیار مصرف‌کنندگان خود می‌گذارند، ندارند. به همین دلیل در ایران که بیشتر رسانه‌های خبررسانی به‌ویژه اخبار مربوط به جرم و جنایت که در انحصار دولت می‌باشد، می‌بایست به این امر توجه بیشتر داشت و سازندگان برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و ... به این نکته توجه داشته باشند که نه فقط به اطلاع‌رساندن خبر ارزش خاص خود را داراست، بلکه نحوه خبررسانی و نتایج این نوع خبررسانی نیز ارزش خود را داشته و در تهیه و تنظیم خبر دقت لازم را مبذول داشته تا مبدا شهروندان به واسطه نداشتن اطلاعات از یک حادثه یا عدم خبررسانی غیرشفاف و یا نادرست دچار اضطراب شده و وقتی حادثه‌ای ناگوار در جریان می‌افتد از تردد در سطح شهر و دیگر اماکن دلهره داشته و با احساس ناامنی توأم با ناآگاهی به سلامت جامعه آسیب رسانند.



## منابع

- بیات، بهرام. (۱۳۸۷)، «تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی»، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳)، چارچوب مفهومی پیمایش ارزشها و نگرش ایرانیان، تهران: انتشارات طرحهای ملی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶)، جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی. چاپ چهارم.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- خوش فر، غلامرضا. (۱۳۷۹)، «امنیت و جامعه مدنی»، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره سیزدهم و چهاردهم، مرداد و شهریور ۷۹.
- درّانی، کمال. (۱۳۸۰)، «بررسی نمادها و نشانه‌های امنیت در ساختار خیالی و نمادگرایی نوجوانان شهر تهران»، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و یکم، شماره ۲، ص ۹-۳۴.
- دلاور، علی. (۱۳۷۸)، «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.
- ربانی، رسول. (۱۳۸۵)، جامعه شناسی شهری، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، چاپ دوم.
- ره پیک، حسن. (۱۳۷۷)، «امنیت ملی و تحدید حقوقی آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان ۷۷.
- شریفی دریاز، مسعود. (۱۳۸۴)، «بررسی اقتدار گرایی و عوامل موثر بر آن با تأکید بر احساس امنیت»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه شناسی.
- صانعی، پرویز. (۱۳۸۵)، «جامعه شناسی ارزش ها»، تهران: انتشارات جار.
- علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی. (۱۳۸۵)، «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- قرآن کریم. (۱۳۸۵)، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، قم: نشر الهادی.
- کلاهیچیان، محمود. (۱۳۸۴)، «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۱، انتشارات گلپونه.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳)، وندالیسم، مبانی روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی و روانشناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب شناسی و کثر رفتاری

اجتماعی، تهران: انتشارات آگه.

- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران. (۱۳۸۲)، «بررسی میزان احساس امنیت شهروندان»، به سفارش معاونت اجتماعی ناجا.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۸)، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن-۱۳۸۵، تهران: دفتر اطلاع رسانی و پایگاه اطلاعات آماری.
- ناصری، محمدباقر و رحیمی نژاد، محمد کاظم. (۱۳۷۴)، «جمعیت و امنیت اجتماعی»، اداره چاپ و نشر سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول.
- فرجیها، محمد. (۱۳۸۵)، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۹)، «مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- Adu-Mireku, Samuel. (۲۰۰۲). Fear of Crime Among Residents of Three Communities in Accra, Ghana, *International Journal of Comparative Sociology*. IJCS 168-153:(2)43.
- Alvi, Shahid. Martind, Schwartz. Walter S. Dekeseredy and Michael O.Maume. (2001). Women's Fear of Crime in Canadian Public Housing, *Violence Against Women*, 2001; Vol 7 ; No 661-638 ; 6.
- Amerio, P.(Ed). (1999).*The Dimensions of Security*, (pp22-15). Milan: Unicopli.
- Chiriicos, Ted. Sarah, Esch Holz & Marc, Gertz. (1997). Crime, News and Fear of Crime : To Ward An Identification of Audience Effects. From <http://www.jstor.org>.
- Ferguson, Kritstin M. & Chales H. Mindel.(2007). Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory, *Crime & Delinquency*, Volume 53, Number 2, Aapril 349-322 ,2007.
- Gert, Van Beek.(nod). feeling (un)safe and (in) secure in the risk society. A available from:[http:// stuies/ac084\\_en.pdf](http://stuies/ac084_en.pdf).
- Hale, C. (1996). Fear of crime: a review of the literature, *International Review of Victimology*, 150-79 ,4.
- Joseph, Janice. (1997). Fear of Crime Among Black Elderly, *Journal of*



Black Studies, Vol.27, No.5. (May,1997), Pp.717-698.

- Miceli Renato, Michele Roccato, Rosalba Rosato. (2004). Fear of Crime in Italy spread & Determinations, Environment and Behavior, Vol.36 No.6, November 789-776 2004.
- Schafer, A, Joseph. Beth M. Huebner. Timothy S. Bynum, (2006). Fear of crime and criminal victimization: Gender-based contrasts ; Journal of Criminal Justice, 301–285, (2006) ,34.
- Taylor, Ralph B. Margaret Hale. (1986). Testing Alternative Models of Fear of Crime, The Journal of Criminal Law and Criminology (-1973) ,Vol. 77,No. 1 (Spring, 1986), pp. 189-151, Published by: Northwestern University.
- Vrij, A., & Winkel, F. W. (1991). Characteristics of the built environment and fear of crime: a research note on interventions in unsafe locations. Deviant Behavior, 215-203 ,(2)12.
- -Macmillan, Ross; Nierobisz, A.& Welsh, Sandy. (2000). Experiencing the Street: Harassment and Perception of Safety among Woman, Journal of Research in Crime and Delinquency,37.